

دنباله از صفحه ۳

# گزارش کامل جشنواره بین‌المللی شعر

## ونخستین سمینار برومیزی

### شعر زن

جشنواره شعر شاعران اروپا در ماه دسامبر سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ در شهر مالمو برگزار کرد. سومین دوره به عنوان جشنواره بین‌المللی شعر و بزرگداشت صدمین سالگرد تولد نیما یوشیج پدر شعر نوین ایران و چهارمین برنامه تحت عنوان جشنواره بین‌المللی شعر و بزرگداشت اسامعیل خویی در ماه دسامبر ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ همانند دوره‌های پیشین در مالمو برگزار گردید. گاهنامه‌ی «این» به‌گزینی از شعر در ۷ شماره که از شمارهی آینده به «پاییز» تغییر نام پیدا خواهد کرد، آینه‌ی تمام‌نمای چهار جشنواره بوده است.



استقبال گرم و گسترده‌ی هم‌میهنان و بازتاب وسیع چهار جشنواره در نشریات سوئد، نگرش زیبا و کمکهای ارگانهای فرهنگی مالمو، برگزارکننده جشنواره‌ها را دلگرم و توانا نموده تا به یاری و همکاری انجمن قلم ایران - در تبعید) در ماه دسامبر ۱۹۹۸ پنجمین جشنواره بین‌المللی و نخستین سمینار برومیزی شعر زن در برومیزی را برگزار کند. در پنجمین جشنواره دهها شاعر اشعار خویش را به زبانهای گوناگون برای علاقمندان و دوستداران شعر خواندند. اسامی ذکر شده در برومیزی عبارتند از: ساینبا آندرسون، مینا اسدی، عفت داداش‌پور، گوپلم، ار. داسیلوا، ژاله

## شهرت‌دل

می خواستم روی ماه بنویسم به عنوان یک صفحه‌ی سفید. من خیلی جوان بودم. فکر کنم حدود ۱۴ سال - ۱۳ سال ازیها. بعد مثلاً یک روزی هم که مدرسه‌ی ما - چیرفت آخه مثل یک جزیره ماندند. مثل موتوریال. یک رودخونه از این رو به نام «هلبل» یک رودخونه از این رو به نام «شور»، «ملتی» این‌ها محاصره می‌کنند که حقیقتاً نوعی جزیره است. یک روزی هم یک دوستی سیگار به من داد گفت بکش خیلی چیز خوبیه که دمش گرم یا لعنت خدا باش. سیگار رو داد به من. من خوشم آمد. این رودخونه ساحلش کنار مدرسه‌ی ما بود. من راهنمایی بودم. من سال اول راهنمایی بودم. بعد من رتقم شعری نوشتم. اصلاً یاد نمی‌آد چی بود. آن را حتی زیر شن پنهان کردم و اینها. ولی اولین شعری که چاپ کردم یکی دربیشت را یادم هست:

دوریت یار بسا خزان آمد  
غم به قلب من ناگهان آمد.  
که این در مجله‌ی جوانان چاپ شد. من از ۱۶ سالگی شعر چاپ کردم - به اسم‌های مختلف - اوکی؟ در نوزده سالگی هم اولین کتابم را چاپ کردم به نام «غریب صدیقه» و بعد هم که به لحاظ سیاسی بازی در به‌در شدم و اینها. دیگه چهار کتاب هم در خارج از کشور دارم که یکی از آنها را دارند به زبان فرانسه ترجمه می‌کنند و الان ۷-۸ کتاب آماده برای چاپ دارم که چنتاش هم اینجاست و دیگه الحمدالله کسی مرا چاپ نکرد. ناشرها ورشکست شدند و اینها

می: چون ناشرها ورشکست شدند؟  
ج: نه... مردم دیگه... الان هر کی اینجا میاد با خاله و دخترخاله‌اش و چه می‌دند... کتاب خودمون رو در می‌آرن ولی خوب آدمی مثل من. دیگه این ماجرا را حوصله ندارم تعریف کنم. زیگی بزیند من برم.

←  
آبر زیبا و با آن ترکیه‌ی انار می‌زدند.

می: این برنامه برای همدی بچه‌ها بود؟  
ج: این فقط برای بچه‌های فنودال بود. برای بچه‌های مرفه این امکانات فراهم بود. ما آریستو تئوکراتیک بودیم. اوکی؟ بنابراین برای ما این امکانات مهیا بود. البته که بچه باغبون‌ها اصلاً حالشون نبود. این که گفتم پدریزگرم برده داشت، اینها بعد دیگه برده نبودند و بلکه خودشون خواسته بودند که... همین باغبون، کمک مادرم تو آنتیروانه، یا خاله‌هام هر کدوم، دانی‌مام، این حرف‌ها. این‌ها دیگه یک چوری تقسیم شده بودند در این سیدآباد و دیگه برده نبودند. مثلاً من یک مادر رضائی داشتم. بچه‌ای داشت به نام شه‌قلی. این زن به من شیر می‌داد و بچه‌ی این زن که شه‌قلی بود، با هم برادر رضائی بودیم، یعنی شیری. که این برادر رضائی یک جاتی جان مرا از مرگ نجات داد. این مرد پلسار بود. یک جاتی اومد گفت حسین الان بزین بیرون گفتم. متشکرم برادر. ما به هم می‌گفتم کاکا. اوکی؟

می: از چه زمان شروع شعر را آغاز کردید؟  
ج: من در حقیقت دو خاطره از این مسئله دارم. دقیقاً خیلی دشواره. یکی از خاطراتم این است که من یک شب در سیدآباد بودم و همه خوابیده بودند و من حتی مادری بدی داشتم. و این که این ماه عجیب‌م و این نعلستان و این باغ و اصلاً حقیقتاً کل ماجرا... من اصلاً تصمیم برای شاعری‌ام نداشتم. بعد چنان بود این. چنان شیرین هوایی شیرین. این مهتاب شیرین. وجود شیرین بود که در حقیقت همانجا من همین طوری به ماه خیره شدم. الان می‌تونم تصور کنم که حتی

## دکتر نیل متی دکتر جنی اودا

پزشک خانواده، اطفال، زنان، IUD  
بهداشت پا و پوست

## DR. NEIL MATI DR. JENNY ODA

خنه اطفال کمتر از ۴ ماهگی  
آسیب دیدگان در تصادفات و فعالیتهای ورزشی

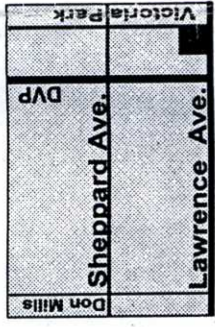
## FARAH ESKANDARI

# Nutritionist تغذیه تخصصی

کنترل وزن، درمان بیماریهای تغذیه‌ای  
کلسترول، قند و فشار خون، یوکی استخوان

1448 Lawrence Ave. E. #202  
East of Victoria Park  
Tel: (416) 752-5426

Week days: 10-5 Appointment required  
منشی ایرانی ما آماده خدمت به هموطنان عزیز است



# دکتر فریدون جزایری

## دندانپزشک

عضو سابق هیئت علمی مرکز آموزش و پژوهش وزارت بهداشتی

- کاشتن دندان Dental Implant
- ردیف کردن دندانها Orthodontics
- درمان ریشه Root canal Therapy
- ترمیمی، زیبایی Cosmetic Dentistry
- جراحی، ترمیم لثه Periodontics
- روکش و پلاک Crown and Bridge

Suite 307 3292 Bayview Ave.  
One block north of Finch at Bayview and Cummer  
Tel: (416) 226-4386 Fax: (416) 226-2610

اصفهان، هنر هالدورس دوتیلر، جلیل حیدر، کارین کانس، یان میلور، ژیل مساعد، نسیم رنجبر ایرانی، حسن سابوچ، آریتا ساسانیان، شاداب وجدی، یان اوسترگرن. ضروری است گفته شود که با ترجمه‌هایی از: جواد اسدی، آریتا ساسانیان، حسن سابوچ، مهرداد طاهان و آنتونیو کاتو با مهارت تحسین‌برانگیزی در ترجمه اشعار شاعران و پربار بودن چشواره منشور رنگینی از شعر در گردهمایی شاعران ارائه کردند.

روز بعد، اختصاص به «نخستین سینار شعر زن در برونز» داشت. سخنرانان عبارت بودند از: ژاله اصفهانی، شعر وزن در برونز - شاداب وجدی وطن و غربت در آینه شعر زنان شاعر برونز - عفت داداش‌پور، تاثیر و بازتاب شعر زن در مطبوعات برونز - نسیم رنجبر ایرانی، عشق و شعر تبعید - ژیل مساعد، شعر زن در تبعید. همچنین آریتا ساسانیان و زیبا کرباسی تازه‌ترین سروده‌هایشان را برای شرکت‌کنندگان در سینار خوانند و مینا اسدی ترانست در سینار حضور پیدا کند. در مجموع می‌توان گفت با برگزاری «نخستین سینار برونز شعر زن»، از سوی «کانون فرهنگ و هنر ایران» - مالمو» درجه‌ای تازه در ادبیات برونز گشوده شده است که در صورت تداوم در چهار گوشه جهان می‌تواند فرصتی جهت انعکاس شعر زن ایرانی در برونز و شناساندن چهره‌های نو و پرتوان در پهنه ادبیات معاصر ایران (برونز) باشد. از سوی دیگر رویدادهایی این چنین، در تعامل شعر جهانی با ترجمه‌هایی که می‌شود و در رسانه‌های گروهی خارجی انعکاس می‌یابد، به نوعی تاثیرگذار است. از آنجا که گزارش مشروح نخستین سینار شعر زن، خیلی مفصل خواهد بود. به اشاراتی کوتاه از شعر و سخنرانی شاعران در اینجا بسنده شده است.

\* نخستین سخنرانی و شعرخوانی، پس از خوش‌آمدگویی برگزارکننده سینار به حاضران در گردهمایی، به ژاله اصفهان شاعر معاصر ایران اختصاص دارد. شاعری که سرایا سرود آزادی و ترنم پرواز است. شاعری که پنجاه سال است با واژگان جادویی اش تجربیات و برداشتهای عاطفی و انسانی خویش را از حواصت زمانه در شعر به تصویر می‌کشد. شعر ژاله، شعر مبارزه، تعهد و ستیز با جهل و ناراستی است. شعر ژاله شعر امید به رهایی و سرایا عشق به وطن و سرفرازی ملت ایران است. تاثیر زیبایی و گیرایی تصاویر و آفرینش‌های ذهنی‌اش در شنوندگان مبهشی است دیگر، که با مختصر اشاره به متن سخنرانی‌اش می‌توان به راز بازتاب گسترده‌اش در میان سرخ شوق و تحسین شرکت‌کنندگان در سینار پی برد.

ژاله اصفهانی می‌گوید:  
ما امروز در کشور متمدن سوئد در سرزمین جنگلها و دریاها دیدار شاعرانه داریم که چه دانشین و امیدبخش است.  
ما زنان شاعر ایرانی در برونز، پرندگان مهاجریم که به سبب‌های گوناگون و در شرایط مختلف از آشیان دور شده‌ایم. این جدایی جغرافیایی هرگز به معنای آن نیست که حنا لطف‌ای از دل‌بستگی به وطن و از مردم خود دور

۲۲  
۱۷  
۱۷

666/